

جایگاه حقوقی رئیس مجلس شورای اسلامی

در نظام جمهوری اسلامی ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱۰/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۳/۱۸)

مهدی فدایی

محقق و پژوهشگر

چکیده

مجلس شورای اسلامی رکن اصلی نهاد قانون‌گذاری در کشور ایران است و در فرمان مشروطیت از مجلس ایران هم به عنوان مجلس مقدس شورای ملی و هم مجلس شورای اسلامی نام برده شده‌است. در قانون اساسی مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی پیش از بازنگری نام این نهاد مجلس شورای ملی بوده‌است. رئیس مجلس شورای اسلامی به وسیله رأی مستقیم نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای یک دوره یک ساله برگزیده می‌شود و با توجه به آئین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی تکرار دوره ریاست مجلس منع قانونی ندارد. رئیس مجلس همچنین رئیس هیئت رئیسه مجلس نیز هست. رئیس مجلس وظیفه اداره مجلس را بر عهده دارد و در صورت حضور نداشتن وی در جلسه، به ترتیب نایب اول و نایب دوم، عهده‌دار این سمت خواهند بود. رئیس مجلس از سویی مانند سایر نمایندگان مجلس وظایفی بر عهده دارد و دیگر اینکه هنگامی که به عنوان ریاست مجلس انتخاب می‌شود وظایف و اختیارات خاصی از طریق قانون اساسی و آیین‌نامه‌ها بر عهده وی گزارده می‌شود. رئیس مجلس به عنوان مدیر قوه مقننه وظایفی را بر عهده دارد که در آیین‌نامه داخلی برای وی تعیین می‌شود. مدیریت جلسات و دستور افتتاح و اختتام جلسات از مهمترین وظایف خاص وی می‌باشد و از جمله وظایف که بین رئیس و هیأت رئیسه مشترک می‌باشد نظارت بر امور اداری و مالی مجلس، نظارت بر نمایندگان می‌باشد.

واژگان کلیدی: رئیس مجلس شورای اسلامی، قوه مقننه، قوه مجریه، نمایندگان مجلس، رای،

ریاست مجلس

بخش اول: بررسی تشکیل مجلس شورای اسلامی

همانطور که می دانیم پس از برگزاری انتخابات، جلسات مجلس شورای اسلامی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت می یابد...^۱ حضور نمایندگان در مجلس موکول به صدور اعتبار نامه ی آنان توسط فرمانداران و بخشداران می باشد.^۲ پس از آنکه اعتبار نامه ی دو سوم مجموع نمایندگان به مجلس واصل شد و مقدمات افتتاح مجلس فراهم گردید.^۳ وزیر کشور از نمایندگان دعوت به عمل می آورد تا ظرف پنج روز در مجلس حاضر شوند و با نطق افتتاحیه مجلس رسمیت می یابد.^۴ محل مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران محل تشکیل اولین مجلس خبرگان است که قانون اساسی ایران در آن به تصویب رسیده است و هیچ محل دیگری برای تشکیل جلسات عمومی مجلس رسمیت ندارد مگر با تصویب دو سوم نمایندگان حاضر در مجلس.^۵ در آغاز نخستین جلسه ی هر دوره ی مجلس، آیات ۳۵ تا ۴۲ سوره شورا قرائت می شود پس از پیام رهبری مراسم تحلیف و در پایان جلسه نمایندگان به منظور بزرگداشت خون شهیدان و ادای احترام و تجدید عهد با آنان در بهشت زهرا حضور می یابند.^۶ پس از برگزاری انتخابات، جلسات مجلس شورای اسلامی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت می یابد. بنابراین در اینجا برای رئیس مجلس به دلیل انتخاب نشدن عملاً نمی توان نقشی قایل بود.

بند اول: تشکیل جلسات

پس از انجام مراحل انتخابات و تایید اعتبار نامه ها و انتخاب هیئت رئیسه سنی (موقت) مراسم

۱ - اصل ۶۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۲ - ماده ی ۸۹ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی

۳ - ماده ۹۰ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی

۴ - ماده ۹۲ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی

۵ - ماده ۱ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸ با اصلاحات بعدی

۶ - ماده ۴ آیین نامه ی داخلی مجلس

تحلیف برگزار می‌گردد.^۱ در اصل شصت و هفتم قانون اساسی متن سوگند را ذکر نموده است نمایندگانی که در جلسه نخست شرکت ندارند نیز باید در اولین جلسه‌ای که حضور پیدا می‌کنند مراسم سوگند را بجای آورند. همچنین نمایندگان اقلیت‌های دینی این سوگند را با ذکر کتاب آسمانی خود یاد خواهند کرد.^۲ علاوه بر این به موجب اصل شصت و پنجم قانون اساسی «پس از برگزاری انتخابات، جلسات مجلس شورای اسلامی با حضور دو سوم نمایندگان رسمیت می‌یابد و تصویب طرح‌ها و لوایح طبق آیین نامه مصوب داخلی انجام می‌گیرد مگر در مواردی که در قانون اساسی نصاب خاصی تعیین شده باشد برای تصویب آئین نامه داخلی موافقت دو سوم حاضران لازم است.»

از سوی دیگر مجلس پس از تشکیل، دارای جلسه هفتگی است این دستور ممکن است مربوط به بررسی طرح‌ها و لوایح یا سؤال و استیضاح از وزراء و... باشد که از طرف هیأت رئیسه مجلس و روسای کمیسیون‌ها تهیه و توزیع و بر لوحه مخصوص نصب می‌شود. این دستور قابل تغییر نیست مگر به درخواست دولت یا پانزده نفر از نمایندگان که در صورت تصویب نمایندگان تغییر صورت می‌گیرد. از سویی دیگر در تشکیل جلسات مجلس اصل بر آن است که جلسات مجلس شورای اسلامی علنی باشد و عموم در جریان وقایع و مذاکرات مجلس قرار گیرند. مگر در موارد خاص. منظور از جلسه علنی آن است که گزارش کامل آن از طریق صدای جمهوری اسلامی ایران و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود و علاوه بر آن رئیس جمهور و معاونان او و وزیران نیز حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند. همچنین حضور تماشاچی و نمایندگان رسانه‌های گروهی در این جلسات بلامانع است.^۳

۱- طبق ۲ و ماده ۳ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸ با اصلاحات بعدی: در شروع جلسه افتتاحیه حتما باید آیات ۳۵ تا ۴۳ سوره شوری تلاوت شود زیرا در این آیات شورایی بودن امور بین مومنین سخن به میان آمده است. همچنین پیام مقام معظم رهبری خطاب به مجلس خوانده می‌شود و سپس نمایندگان برای ادای احترام به مرقده حضرت امام خمینی (ره) مزار شهیدان در بهشت زهرا می‌روند.

۲- ماده ۲ آئین نامه داخلی مجلس

۳- صفار، محمد جواد، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات استادی، چاپ چهارم، ۱۳۸۲،

جلسات غیر علنی آن است که گزارش و مصوباتش پس از برطرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر میگردد. با توجه به اصل شصت و نهم قانون اساسی شرط تشکیل و اعتبار مصوبات جلسه به صورت غیر علنی عبارت است از:

۱- شرائط اضطراری و در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند؛

۲- تقاضای رئیس جمهوری یا یکی از وزرای یا ده نفر از نمایندگان؛

۳- حضور شورای نگهبان در آن؛

۴- تصویب مصوبات توسط سه چهارم مجموع نمایندگان.^۱

بند دوم: هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی

اداره مجلس توسط هیأت رئیسه صورت می پذیرد. اصل شصت و ششم قانون اساسی تصریح می کند «ترتیب انتخاب رئیس و هیئت رئیسه و تعداد کمیسیون ها و دوره تصدی آنها و امور مربوط به مذاکرات و انتظامات مجلس به وسیله آیین نامه داخلی مجلس معین می گردد». همچنین ماده ۱۴ قانون آیین نامه داخلی مجلس در راستای بیان جزئیات این اصل اشاره می کند: مجلس شورای اسلامی به وسیله هیأت رئیسه ای مرکب از دو رئیس و نایب رئیس و شش دبیر و سه ناظر که از بین نمایندگان و با رای آنها انتخاب می شوند اداره می شود. بنابراین برای فهم جایگاه و نقش رئیس مجلس شورای اسلامی باید تقسیم بندی های ذیل را در نظر داشت؛ البته رعایت این موارد و حد نصاب مربوط به هیأت رئیسه دائم است نه هیأت رئیسه سنی و هیأت رئیسه موقت.

بر این اساس هیأت رئیسه مجلس بر سه قسم است:

الف: هیأت رئیسه سنی

بعد از تشکیل مجلس و قبل از انتخاب هیأت رئیسه دائم از مسن ترین نماینده به ترتیب اعضا رئیس و نائب رئیس انتخاب می گردند و دو نفر از جوان ترین نمایندگان به عنوان منشی تعیین می شوند. مدت این هیأت رئیسه بسیار کوتاه و تا انتخاب هیأت رئیسه موقت ادامه می یابد و

وظایف آن انجام مراسم تحلیف و انتخاب اعضا هیات رئیسه موقت است.^۱ پس از تشکیل و افتتاح مجلس و قبل از اقدام به هر امری "مسن ترین فرد از نمایندگان حاضر به عنوان رئیس سنی و فرد بعدی به عنوان نائب رئیس و دو نفر از جوان ترین نمایندگان حاضر به سمت منشی معین می شوند و در جایگاه هیات رئیسه قرار می گیرند. در صورت تساوی سن، هیات رئیسه سنی با قید قرعه از بین مسن ترین و جوان ترین نمایندگان حاضر تعیین خواهد شد.^۲ وظائف هیات رئیسه ی سنی اداره ی جلسه ی افتتاحیه اقتراع شعب و انجام مراسم تحلیف و اجرای انتخابات هیات رئیسه موقت است.^۳

ب: هیأت رئیسه موقت

انتخابات هیات رئیسه ی موقت در دومین جلسه ی علنی مجلس انجام خواهد شد. ترکیب و طرز انتخاب آن مانند هیات رئیسه ی دائم است، به جز این که اکثریت نسبی در انتخاب رئیس کافی خواهد بود.^۴ وظایف هیات رئیسه ی موقت اداره ی جلسات مجلس تا زمان تایید اعتبار نامه دو سوم نمایندگان و اجرای انتخابات هیات رئیسه ی دائم و تمشیت امور اداری مجلس است.^۵ این هیات شامل دوازده نفر و از میان منتخبین مردم در مجلس برگزیده شده و مدت کار آن پس از اتمام مسئولیت هیات رئیسه سنی آغاز و تا تصویب اعتبار نامه حداقل دو سوم نمایندگان ادامه می یابد. بدیهی است که این مجلس هیچ گونه صلاحیت اقدامات تقنینی و تصویبی را نداشته و صرفاً وظیفه رسیدگی به اعتبار نامه های نمایندگان را دارا می باشد.^۶

ج - هیأت رئیسه دائم

پس از تصویب اعتبار نامه ی حداقل دو سوم مجموع نمایندگان، هیات رئیسه موقت اقدام به انتخاب هیات رئیسه دائم می کند. اعضای هیات رئیسه ی دائم برای یک سال انتخاب می شوند.

۱- ماده ۱۰ آئین نامه داخلی مجلس

۲- ماده ۹ آئین نامه داخلی مجلس

۳- ماده ۱۰ آئین نامه داخلی مجلس

۴- ماده ۱۱ آئین نامه داخلی مجلس

۵- ماده ۱۲ آئین نامه داخلی مجلس

۶- ماده ۱۲ آئین نامه داخلی مجلس

مبنای تجدید انتخابات سالیانه، سالروز انتخاب هیات رئیسه قبلی بوده و در صورتی که با تعطیلات مصادف گردد در جلسه ی قبل از آن انجام می گردد و مسئولیت هیات رئیسه جدید از سالروز انتخابات قبل تفویض خواهد گردید.^۱

هیات رئیسه دائم مرکب از رئیس و دو نائب رئیس و شش منشی و سه کارپرداز می باشد^۲ انتخاب رئیس در نوبت اول با اکثریت مطلق آراء نمایندگان صاحب رای است و انتخاب نواب رئیس، منشی ها و کارپردازان هر کدام جداگانه و با اکثریت نسبی و رای مخفی با ورقه خواهد بود. در صورتی که در انتخاب رئیس در نوبت اول اکثریت مطلق حاصل نشود، در نوبت دوم اکثریت نسبی کافی خواهد بود.^۳ نواب رئیس به ترتیب تعداد آراء به عنوان نایب رئیس اول و نایب رئیس دوم و در صورت تساوی آراء با قید قرعه انتخاب می شوند و در غیاب رئیس مجلس به ترتیب، وظایف و اختیارات او را بر عهده خواهند داشت^۴ بنابراین مشخص شد که منظور ما از رییس مجلس شورای اسلامی این گروه بوده و اقدامات رییس سنی و رییس هیات ریسه موقت تنها برای نظم امور و تایید اعتبار نامه نمایندگان است. هر چند که تصمیمات مجلس از طریق اکثریت آراء اتخاذ می شود و در این خصوص اعضای هیات رئیسه رکن اصلی تلقی نمی شوند و تصمیمات آنها اثر خارجی ندارد، اما نقشی که در اعمال مدیریت داخلی مجلس ایفا می نمایند مآلاً می تواند موثر و تعیین کننده باشد و به نحوی تصمیم گیری مجلس را تحت الشعاع قرار دهد. بدین خاطر است که تعهد و مسئولیت اخلاقی برای اعضای هیات رئیسه ضروری به نظر می رسد. رئیس مجلس باید در اداره مجلس و مراعات حقوق نمایندگان بی طرفانه عمل کند. به همین منظور اعضای هیات رئیسه دایم پس از انتخاب سوگند یاد می کنند که حداکثر تلاش خود را برای رعایت آئین نامه و حفظ بی طرفی به کار خواهند

۱ - ماده ۲۶ همان آیین نامه

۲ - ماده ۱۴ همان آیین نامه

۳ - ماده ۱۵ همان آیین نامه

۴ - ماده ۱۸ همان آیین نامه

برد.^۱ همچنین هیئت رئیسه دائم برای مدت یک سال انتخاب می‌گردند. برای این هیئت تمامی وظائف و اختیارات مندرجه در قانون اساسی در خصوص قوه مقننه صدق می‌کند.^۲

بند سوم: کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی

به موجب ماده ۱۴۳ قانون آیین نامه داخلی مجلس، وظیفه بررسی عدم مغایرت طرح‌ها با اصل ۷۵ قانون اساسی در مرحله وصول طرح با رئیس مجلس است. بدین خاطر به منظور بررسی و اصلاح و تکمیل لوایح دولت و طرح‌های قانونی و نیز تهیه طرح‌های لازم در مجلس کمیسیون‌های متشکل از نمایندگان مجلس تشکیل می‌گردد در حقیقت لحاظ تخصصی بودن این کمیسیون‌ها و فرصت بیشتر برای بحث و گفتگو و تبادل نظر در آن‌ها، نقش موثری در مجلس تصمیم‌گیری نمایندگان دارد. نحوه فعالیت و ارجاع طرح‌ها و لوایح به کمیسیون‌ها در بحث شیوه قانونگذاری و انواع طرح‌ها و لوایح مورد بحث قرار می‌گیرد.^۳ کمیسیون‌های مجلس متشکل از تعدادی نماینده است که کارها و مطالعات مقدماتی را در موارد مختلف انجام داده و آن را برای بحث و بررسی و اتخاذ تصمیم به جلسه عمومی مجلس می‌سپارند.^۴ هر نماینده بر حسب موقعیت تحصیلی، شغلی، اجتماعی و به عضویت یکی از کمیسیون‌های مصرحه در آن آئین نامه داخلی مجلس درمی‌آید. با این حال درخصوص عضویت رئیس مجلس در کمیسیون‌ها استثنائی وجود دارد و آن اینکه هر نماینده به جزء رئیس مجلس ملزم است عضویت یکی از کمیسیون‌های تخصصی را بپذیرد. بنابراین رئیس از عضویت در کمیسیون‌های مجلس معاف است.^۵ در کنار رئیس مجلس اعضای هیأت رئیسه مجلس نیز با محدودیتهایی در خصوص عضویت در کمیسیون‌های مجلس مواجه اند بدین صورت که هیچ یک از اعضای هیأت رئیسه مجلس نمی‌تواند به عضویت کمیسیون برنامه و بودجه مجلس انتخاب شود و در

۱ - ماده ۱۷ همان آیین نامه

۲ - ماده ۱۳ و ۱۴ آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸ با اصلاحات بعدی

۳ - مهر پور، حسین، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۸۹، ص ۱۶۱

۴ - شعبانی، قاسم، حقوق اساسی و ساختار حکومت اسلامی ایران، چاپ چهارم، نشر اطلاعات، ۱۳۷۳، ص ۱۵۰

۵ - ماده ۵۷ آئین نامه داخلی مجلس

صورتی که هر یک از اعضاء کمیسیون به عضویت هیأت رئیسه انتخاب گردند از کمیسیون مستعفی شناخته شده، همچنین نمی توانند به عنوان رئیس یا مخبر کمیسیونهای مجلس انتخاب گردند از سمت خود در کمیسیون مستعفی شناخته می شود^۱. بطور کلی هیأت رئیسه درخصوص کمیسیونهای مجلس دو وظیفه عمده دارد اول وظایف آنها در ارتباط با تشکیل کمیسیونها و دوم وظایف آنها بعد از تشکیل کمیسیونها. کمیسیونها بر دو نوع هستند:

۱. کمیسیونهای تخصصی

مسئولیت اصلی کمیسیونهای تخصصی در امور مستمر مجلس است و تشکیل آنها نوعا متناسب کارهای اجرائی کشور می باشد^۲. ماده ۳۳ آیین نامه ی داخلی مجلس اعلام می دارد: هر یک از کمیسیونهای تخصصی مجلس که مطابق این آیین نامه تکمیل می گردند در محدوده ی تخصصی خود وظایف بررسی اصلاح و تکمیل طرحها و لوایح قانونی، رسیدگی به طرح های تحقیق و تفحص و لوایح بودجه، بررسی و اظهار نظر در مورد لوایح برنامه های توسعه و چگونگی اجرای قوانین و تبصره های آن کسب اطلاع از کم و کیف اداره ی کشور بررسی و تصویب آزمایشی طرحها و لوایح و همچنین تصویب دائمی اساننامه سازمانهای دولتی و وابسته به دولت را که طبق اصل ۸۵ قانون اساسی به آنها واگذار شده است بر عهده دارند. این کمیسیونها می توانند به تعداد کافی مشاور ذیصلاح از طریق هیات رئیسه به خدمت بگیرند. این کمیسیونها عبارتند از آموزش و پرورش (ماده ۳۴) اجتماعی (ماده ۳۵) اقتصادی (ماده ۳۶) بهداشت و درمان (ماده ۴۰) صنایع و معادن (ماده ۴۱) عمران (ماده ۴۲) فرهنگی (۴۳) قضائی و حقوقی (۴۴) و کشاورزی (ماده ۴۵).

۲. کمیسیونهای موقت

کمیسیونهای موقت وقتی تشکیل می شود که مسائل خاص و استثنایی در مجلس قابل طرح باشد.

آیین نامه داخلی در این خصوص مقرراتی را بیان نموده است.

۱- ماده ۲۰ آیین نامه داخلی مجلس

۲- نجفی اسفاد، مرتضی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر المهدی، چاپ هشتم، ۱۳۸۸، ص ۱۷۱

- ۱- در مورد لوایح و طرح‌هایی که ارتباط اساسی آن با کمیسیون معینی روشن نباشد هیات رئیسه کمیسیون موقت خاصی تشکیل می‌دهد.
- ۲- در مورد طرح‌ها و لوایحی که به دو کمیسیون ارتباط اساسی داشته باشد، کمیسیون مشترک تشکیل می‌گردد.
- ۳- در مورد مسائل مهم و استثنایی که تشکیل کمیسیون ویژه برای رسیدگی و گزارش ضرورت پیدا می‌کند و به پیشنهاد حداقل ۱۵ نفر از نمایندگان چنین کمیسیونی انتخاب می‌گردد.^۱

در مسائل مهم و استثنایی که برای کشور پیش می‌آید و در این خصوص تشکیل کمیسیون ویژه‌ای برای رسیدگی و تهیه گزارش ضرورت پیدا می‌کند، به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان و تصویب مجلس، این کمیسیون تشکیل می‌شود. اعضای جلسه علنی توسط نمایندگان با رای مخفی و اکثریت نسبی انتخاب خواهند شد. هیات رئیسه کمیسیون ویژه همانند دیگر کمیسیون‌ها انتخاب خواهد شد. و رئیس مجلس اداره نظم مجلس را در این امر بر عهده خواهد گرفت.^۲

بخش دوم: صلاحیت تقنینی (صلاحیت تکلیفی و اختیاری) مجلس شورای اسلامی

در جمهوری اسلامی مهمترین مرجع قانونگذاری مجلس شورای اسلامی است به طوری که وقتی عنوان قوه مقننه گفته می‌شود انصراف به مجلس شورای اسلامی پیدا می‌کند و به رئیس مجلس هم رئیس قوه مقننه اطلاق می‌شود. بر اساس اصل هفتاد و یکم قانون اساسی «مجلس شورای اسلامی در عموم مسایل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند» ظاهر این امر بر جنبه‌ی تخییری مجلس در وضع قوانین دلالت دارد. یعنی مجلس دارای اختیار تصویب قانون است. هرچند لوایح از طریق دولت به مجلس راه پیدا می‌کند ولی مجلس دارای حق عدم تصویب و یا تغییر و سپس تصویب آنها را دارد. گاهی عملاً چنین تصور می‌شود که

۱- نجفی اسفاد، مرتضی، پیشین، ص ۱۷۲

۲- ماده ۵۹ آئین نامه داخلی مجلس

تعیین برنامه های مختلف در جامعه من جمله در امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره لزوما بر عهده ی دولت است. ولی توجه به این نکته مهم و ضروری است که تصویب نهائی لوایح پیشنهادی دولت بر عهده ی مجلس می باشد. بنابراین برای بررسی نقش رئیس مجلس ابتدا باید صلاحیت های مجلس شورای اسلامی را بررسی نموده و بعد از آن مواردی که طبق اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی به دولت سپرده شده است مورد مذاقه قرار داد و بعد از آن نقش رئیس مجلس را در آن یافت.^۱ علاوه بر نقش نظارتی مجلس بر قوای دیگر در ابعاد سیاسی و مالی و نیز برخی کار ویژه های مجلس شورای اسلامی از قبیل انتخاب حقوقدانان شورای نگهبان^۲ و تصویب اعتبارنامه نمایندگان^۳، با تدقیق در اصول قانون اساسی می توان دو نوع صلاحیت تقنینی به شرح زیر برای مجلس مشاهده نمود:

بند اول: صلاحیت تکلیفی

بیش از چهل مورد در قانون اساسی به تعیین ضوابط، شرایط، حدود، کیفیات و اموری از این دست در حیطه های گوناگون توسط قانون اشاره شده است، برخی از این امور عبارتند از:

- تعیین موارد مربوط به آزادی نشریات و مطبوعات؛^۴
- نحوه مدیریت و به کارگیری انفال و ثروت های عمومی؛^۵
- تعیین ضوابط، قلمرو و شرایط بخش های دولتی، تعاونی و خصوصی در اقتصاد؛^۶
- ضوابط مربوط به مالکیت شخصی؛^۷
- تعیین ضوابط مالکیت شخصی؛^۸

۱- نجفی اسفاد، مرتضی، پیشین، ص ۱۷۷

۲- بند ۲ اصل ۹۱ قانون اساسی

۳- اصل ۹۳ قانون اساسی

۴- اصل ۲۴ قانون اساسی

۵- اصل ۴۵ قانون اساسی

۶- اصل ۴۴ قانون اساسی

۷- اصل ۴۷ قانون اساسی

۸- اصل ۴۷ قانون اساسی

- تعیین ترتیب تهیه لایحه بودجه؛^۱
- شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان شورای اسلامی، حدود وظایف و اختیارات و سلسله مراتب شوراها؛^۲
- تعیین صلاحیت دادگاه‌ها؛^۳
- تعریف جرم سیاسی.^۴

برخی موارد دیگر که عموماً مرتبط با حقوق و آزادی‌های بنیادین مردم است. از طرف دیگر بر خلاف قوانین اساسی برخی کشورها که با احصای موارد صلاحیت قانونگذاری، پارلمان را از ورود به سایر موضوعات، صراحتاً منع کرده اند؛ در اصل ۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی مقرر شده است: "مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند". بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که در تمام مواردی که در قانون اساسی تعیین ضوابط اموری صراحتاً به قانون محول شده است، مجلس شورای اسلامی الزام به تقنین در موارد یاد شده داشته و تقنین در حوزه اموری که به برخی از آنها اشاره شد از صلاحیت اختیاری مجلس خارج بوده و الزامی است. در واقع این قبیل موضوعات مصرح در قانون اساسی که می‌توان عنوان "قوانین تکلیفی" را برای آن‌ها برگزید، بیانگر استثنائات واژه "می‌تواند" در اصل ۷۱ قانون اساسی است، البته در این خصوص قابل ذکر است، تضمین تصویب چنین قوانینی توسط مجلس به دلایل مرتبط با تکنیک‌های حقوقی با مشکل مواجه است. به عبارت دیگر، قانون اساسی منع تصویب قوانین با موضوع خاص را نسبت به تکلیف تصویب قوانین با موضوع خاص به صورت موثری تضمین می‌کند.^۵

۱- اصل ۵۱ قانون اساسی

۲- اصل ۵۲ قانون اساسی

۳- اصل ۱۰۰ قانون اساسی

۴- اصل ۱۶۸ قانون اساسی

۵- کلسن، هانس، نظریه حقوقی ناب، ترجمه اسماعیل نعمت‌اللهی، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همکاری

بند دوم: صلاحیت اختیاری

به جز مواردی که در قانون اساسی مجلس ملزم به وضع قانون است. سایر موارد در صلاحیت اختیاری مجلس بوده و مجلس می تواند در مورد آنها قانون وضع کند. اصل ۷۱ قانون اساسی دلیل این مدعاست. صلاحیت تقنینی مجلس چه در بعد تکلیفی و چه در بعد اختیاری آن به این معنا نیست که مجلس آزادانه و بدون هیچ محدودیتی حق وضع قانون در تمام موضوعات و بدون هیچ ضابطه ای را خواهد داشت. "اصل کنترل قوانین توسط قانون اساسی به عنوان نتیجه اصل برتری قانون اساسی و تضمین کننده اصل سلسله مراتب قوانین ایجاب می کند کلیه قوانین مصوب پارلمان در معنی و مفهوم چیزی خلاف اصول قانون اساسی در بر نداشته باشد"^۱ در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوبات مجلس شورای اسلامی از این قاعده مستثنی نبوده و مجلس در اعمال صلاحیت تقنینی خویش با محدودیت هایی به شرح زیر روبروست.

بخش سوم: محدودیت های صلاحیت تقنینی مجلس

چنان که ذکر شد، در اصل ۵۷ قانون اساسی قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر اعمال می شوند. به دنبال این حکم در اصل بعدی (۵۸) قانونگذار اساسی اعمال قوه مقننه را در صلاحیت مجلس شورای اسلامی قرار داده است و همه پرسى که در اصل ۵۹ مورد اشاره قرار گرفته است در واقع استثنایی است بر صلاحیت مجلس نسبت به تقنین که در موارد بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و البته آن نیز با تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس صورت می گیرد و در این حالت اعمال قوه مقننه از طریقی غیر از مجلس شورای اسلامی، به جز اصل ۵۹ (همه پرسى) مورد دیگری که در قانون اساسی، قانونگذاری به مرجعی غیر از مجلس واگذار گردیده، تصویب قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان رهبری و کیفیت انتخاب آن هاست که بر اساس اصل یکصد و هشتم برعهده فقهای اولین شورای نگهبان قرار داده شده که پس از تصویب اکثریت آنان باید به تصویب مقام رهبری نیز برسد و از آن پس هر گونه تغییر

و تجدید نظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به خبرگان در صلاحیت خود آنان است. به جز موارد فوق، استثناء دیگری بر صلاحیت قانونگذاری مجلس در قانون اساسی با این عنوان که قانون به تصویب مرجعی غیر از مجلس برسد، ذکر نگردیده و در همین راستا اصل ۷۱ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی را نهاد صالح برای وضع قانون در عموم مسائل دانسته است. بنابر مراتب فوق به طور خلاصه می‌توان گفت اطلاق و عموم صلاحیت تقنینی مجلس نسبت به قانونگذاری به ترتیب از اصول ۵۸ و ۷۱ قانون اساسی قابل استنتاج است.^۱ اما همانگونه که در اصول فقه گفته شده است، "ما من عام الا و قد خص" صلاحیت عام و مطلق مجلس بنابر برخی اصول قانون اساسی یا محدودیت‌هایی مواجه است که می‌توان آن‌ها را در دو دسته محدودیت‌های اختیاری و محدودیت‌های غیر اختیاری تقسیم بندی کرد:

بند اول: محدودیت‌های اختیاری

تأمل در اصول مرتبط با صلاحیت‌های مجلس در قانون اساسی بیانگر مواردی است که مجلس می‌تواند صلاحیت قاعده گذاری خویش را در مواردی خاص اختیار محدود کند. این موارد یکی ارجاع تقنین به قوه بنیانگذار است و دیگری تفویض اختیار:

۱. اصل ۵۹ مبنی بر ارجاع اعمال قوه مقننه به آرای عمومی
۲. اصل ۸۵ مبنی بر تفویض اختیار وضع قانون به کمیسیون‌های داخلی و تفویض تصویب اساسنامه

سازمان‌ها، شرکت‌ها، موسسات دولتی و وابسته به دولت به کمیسیون‌های ذی ربط یا دولت. در این موارد، مجلس شورای اسلامی می‌تواند، با اراده و تشخیص خود، صلاحیت‌های خود را به اکثریت رای دهندگان در همه پرسی، کمیسیون‌های داخلی یا دولت واگذار کند. در این حالت، موارد فوق از صلاحیت مجلس خارج می‌شود. البته در خصوص تفویض اختیار به کمیسیون‌های داخلی، چنانچه این تفویض در مورد تصویب اساسنامه سازمانهای دولتی و یا وابسته به دولت باشد، مصوبه کمیسیون داخلی مجلس، دائمی تلقی شده اما در سایر موارد،

۱- گرجی ازندریانی، علی اکبر و بهادری جهرمی، محمد، "تفکیک قلمرو قانون از آیین نامه در نظام حقوقی ایران"،

قوانین مصوب کمیسیون های داخلی در مدتی که مجلس تعیین می نماید به صورت آزمایشی اجرا می شود و تصویب نهایی آن ها با مجلس است.

بند دوم: محدودیت های غیر اختیاری

محدودیت های غیر اختیاری وارده بر صلاحیت مجلس شورای اسلامی را می توان به دو دسته تقسیم بندی کرد: دسته اول مواردی است که تخصیص از صلاحیت مجلس خارج بوده و دسته دوم ناظر بر مواردی است که تخصیص از صلاحیت مجلس خارج شده است.

توضیح آن که بنابر اصل ۷۱ قانون اساسی، صلاحیت عام قانونگذاری مجلس "در حدود مقرر در قانون اساسی" است پس اختیارات سایر نهادهای مقرر در قانون اساسی تخصیص از صلاحیت مجلس شورای اسلامی خارج است. همچنین از آنجا که در اصل ۷۲ مقرر گردیده است که مجلس نمی تواند قوانین مغایر با احکام مذهب رسمی و یا قانون اساسی وضع نماید، پس آن دسته از اصول قانون اساسی که صلاحیت مجلس را در این راستا محدود می کنند، تحت عنوان محدودیت های غیر اختیاری که تخصیص از صلاحیت مجلس خروج دارد، قابل طبقه بندی است. محدودیت های پیش گفته عبارتند از:

مواردی که تخصیص از صلاحیت مجلس خارج است:

۱- اصول ۵۷ و ۱۱۰: مواردی که تصمیم گیری و مقررات گذاری در مورد آن ها در حیطه وظایف رهبری قرار دارد تخصیص از صلاحیت مجلس خارج است. در این راستا می توان از تدوین و تصویب سیاست های کلی نظام، تنظیم روابط قوای سه گانه، عفو یا تخفیف مجازات محکومین و نیز اختیارات و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی نام برد.

۲- اصل ۱۰۸: مطابق مفاد این اصل قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان و کیفیت انتخاب آن ها که برای نخستین دور، به وسیله فقهای شورای نگهبان تهیه و به تصویب رهبر انقلاب می رسد و از آن پس هر گونه تغییر و تجدید نظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است.

۳- اصل ۱۱۲: بر اساس ذیل این اصل، مقررات مربوط به مجمع تشخیص مصلحت نظام توسط خود اعضای مجمع، تهیه و تصویب و به تایید مقام رهبری خواهد رسید.

۴- اصل ۱۶۱: ضوابط تشکیل دیوان عالی کشور مطابق این اصل توسط رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شود، بنابراین تعیین ضوابط تشکیل دیوان عالی کشور تخصصاً از صلاحیت مجلس شورای اسلامی خارج است.

۵- اصل ۱۳۴: مطابق این اصل تعیین برنامه و خط مشی دولت در صلاحیت رئیس جمهور است که با همکاری وزیران به این امر مبادرت می‌کند، لذا تقنین در حوزه تعیین برنامه و خط مشی دولت، تخصصاً از صلاحیت مجلس شورای اسلامی خارج است.

۶- اصل ۱۷۶: بر اساس بند "یک" این اصل تعیین سیاست‌های دفاعی-امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری در صلاحیت شورای عالی امنیت ملی است، همچنین تصویب تشکیلات شوراها و فرعی که به تناسب وظایف شورای عالی امنیت ملی تشکیل می‌شود از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور نیز در صلاحیت خود شورای عالی امنیت ملی است که البته مصوبات این شورا بایستی به تایید مقام رهبری نیز برسد. لذا تقنین در هر دو حوزه پیش گفته، تخصصاً از صلاحیت مجلس شورای اسلامی خارج است.

۷- اصل ۹۸: مطابق این اصل صلاحیت تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می‌شود. لذا ارائه تفسیر قانونی و رسمی از اصول قانون اساسی صرفاً در صلاحیت شورای نگهبان، تفسیر قانونی اصول قانون اساسی محسوب نمی‌شود بلکه نوعی تفسیر تبعی یا تفسیر تطبیقی از اصول قانون اساسی و خارج از موضوع اصل ۹۸ می‌باشد.

۸- اصول ۴، ۹۱ و ۹۹: با توجه به نظریه تفسیری شماره ۲۱۹۳۴ مورخ ۱۳۸۶/۴/۹ شورای نگهبان از این اصول مبنی بر این است که تصویب ضوابط و مقررات مالی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی شورای نگهبان که انجام وظایف آن به تشخیص شورا متوقف بر آن هاست، بر عهده خود این شورا می‌باشد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که تقنین در حوزه ضوابط و مقررات یاد شده تخصصاً از صلاحیت مجلس شورای اسلامی خارج گردیده و در صلاحیت انحصاری نهاد شورای نگهبان می‌باشد.

- ۹- اصل ۱۷۷: اصلاح و تغییر قانون اساسی بر اساس این اصل در صلاحیت شورای بازنگری قانون اساسی بوده و تخصصا از صلاحیت مجلس شورای اسلامی خارج است.
- همچنین باید به مواردی که تخصیصا از صلاحیت مجلس شورای اسلامی خارج است نیز باید اشاره نمود. بنابر اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصل ۷۲ مجلس شورای اسلامی نمی تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. بنابر این رعایت تمام مفاد قانون اساسی در کنار موازین اسلامی به تشخیص شورای نگهبان شرط اعتبار مصوبات مجلس است و مجلس ملزم به رعایت تمام مفاد شکلی و ماهوی اصول مختلف قانون اساسی در تقنین است، با این حال برخی اصول قانون اساسی منجزا محدودیت هایی را بر صلاحیت عام قانونگذاری مجلس خارج است، اهم این موارد عبارتند از:
۱. اصل ۹: بنابر این اصل هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های مشروع را، هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند. لذا عدم امکان سلب آزادی های مشروع، تخصیصی است بر صلاحیت عام مجلس در قانونگذاری.
۲. اصل ۵۰: بر این اساس تجویز فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازم است ممنوع بوده و از این جهت این اصل تخصیصی است بر صلاحیت عام قانونگذاری مجلس.
۳. اصل ۷۵: بنابر مفاد این اصل ارائه طرح های قانونی و همچنین ارائه پیشنهادی از سوی نمایندگان که به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می انجامد و طریق جبران کاهش درآمد یا تامین هزینه جدید معلوم نشده باشد، تخصیصا از صلاحیت مجلس شورای اسلامی خارج است.
۴. اصل ۷۸: در این اصل هرگونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع دانسته شده است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور به شرط اینکه یک طرفه نباشد. بنابر مفهوم مخالف این اصل هرگونه تغییر یک طرفه در خطوط مرزی کلا ممنوع بوده و تخصیصا از صلاحیت مجلس شورای اسلامی خارج است.
۵. اصل ۸۱: مطابق این اصل دادن امتیاز تشکیل شرکت ها و موسسات در امور تجاری و

صنعتی و کشاورزی و معاون و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است و این مورد نیز یکی از مصادیق محدودیت‌های غیر اختیاری است که تخصیصاً از صلاحیت عام مجلس در اصل هفتاد و یک قانون اساسی خارج است.

۶. اصل ۸۳: بر اساس این اصل بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی باشد، قابل انتقال به غیر نیست مگر با تصویب مجلس شورای اسلامی، آن هم در صورتی که از نفایس منحصر به فرد نباشد. لذا تجویز انتقال نفایس ملی منحصر به فرد به غیر تخصیصاً از صلاحیت عام مجلس خارج است.

۷. اصول ۵۷ و ۱۱۰: بنابر اصل ۵۷ قانون اساسی قوای سه گانه زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت اعمال می‌گردند، از طرف دیگر یکی از وظایف و اختیارات رهبری مطابق بند یک اصل ۱۱۰ تعیین سیاست‌های کلی نظام پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام است. لذا رعایت مفاد سیاست‌های کلی نظام برای تمام قوا از جمله مجلس شورای اسلامی الزامی بوده و تصویب قوانین مغایر با مفاد سیاست‌های کل نظام تخصیصاً از صلاحیت عام قانونگذاری خارج است.

۸. اصل ۱۴۵: تجویز عضویت افراد خارجی در ارتش و نیروهای انتظامی کشور بر اساس این اصل، تخصیصاً از صلاحیت عام تقنینی مجلس خارج شده است.

۹. اصل ۱۴۶: مطابق این اصل استقرار هر گونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هر چند به عنوان استفاده‌های صلح آمیز باشد ممنوع بوده و این موضوع، تخصیصی است بر صلاحیت قانونگذاری مجلس.

۱۰. اصل ۱۴۸: تجویز هر نوع بهره برداری شخصی از وسایل و امکانات ارتش بنابر مفاد این اصل، تخصیصاً از صلاحیت مجلس خارج است.

۱۱. اصل ۱۵۳: تصویب هر گونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد به واسطه حکم این اصل، از صلاحیت تقنینی

مجلس خروج تخصیصی دارد.^۱

بخش چهارم: صلاحیت نظارت مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی دارای صلاحیت عام قانونگذاری است و می تواند در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی، قانون وضع کند.^۲ ایفای این وظیفه، نوعی نظارت حقوقی نسبت به حوزه اجرای و سایر امور کشور را می طلبد که در مقایسه با سایر نظارت ها شفاف تر و کارآمدتر است. هر چند بخشی از این مسائل توسط دولت به صورت لایحه تقدیم مجلس می شود اما بررسی طرح ها و لوایح نیاز به اشراف کلی و جامع بر امور کشور دارد. بی شک مجلس شورای اسلامی اگر بخواهد به صورت شفاف بر اوضاع کشور آگاهی و اشراف داشته باشد و همه چیز را در جامعه آنگونه که هست، ببیند نیاز به یک نظارت گسترده در سطح کشور دارد، تا بتواند از ابزار قانونگذاری به نحو احسن استفاده کرده و به نیازها و مطالبات، به گونه ای شایسته ای پاسخ گوید.

دامنه این نظارت جز در مواردی چون اصول ۷۲، ۷۹ و ۸۱ و حوزه ای اختیارات رهبری به گونه ای گسترده است که هیچ محدودیتی را بر نمی تابد^۳

اختیارات مجلس شورا به طور کلی بر دو نوع است: تقنینی و غیر تقنینی. اختیارات غیر تقنینی مجلس به نوبه ای خود بر دو قسم است: نظارتی و غیر نظارتی. اگر چه در آیین نامه ای داخلی مجلس تمامی اختیارات غیر تقنینی زیر عنوان نظارت آمده است، با دقت در موارد و مصادیق مذکور در زیر آن عنوان روشن می شود که پاره ای از آنها از مصادیق اعمال اختیار است نه نظارت^۴ از این جمله است رای اعتماد به وزراء، تصویب عهدنامه ها، مقاوله نامه ها و موافقت نامه های بین المللی، تصویب اصلاح جزئی در خطوط مرزی، عضویت یکی از نمایندگان

۱- گرجی از ندریانی، علی اکبر و بهادری جهرمی، محمد، پیشین، صص ۱۰۳-۱۰۲

۲- اصل ۷۱ قانون اساسی

۳- عمید زنجانی، عباسعلی و موسی زاده، ابراهیم، نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری، تهران، انتشارات دانشگاه

تهران، ۱۳۸۹، ص ۱۲۸

۴- راسخ، محمد، نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۸۹، ص ۴۸

مجلس در هیئت نظارت بر مطبوعات، و مانند آنها. نظارت اما همیشه و در همه موارد به یک شکل صورت نمی‌گیرد و مطالعه‌ی نظام قانونی نظارت و تعادل بیانگر این حقیقت است که انواع گوناگونی از نظارت وجود.^۱

بند اول: نظارت بیرونی

بنابر اصل ۸۵ قانون اساسی، مجلس شورا می‌تواند اجازه‌ی تصویب دائمی اساسنامه‌ی سازمان ها، شرکت‌ها و موسسات دولتی یا وابسته به دولت را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت، از یک سو نباید مخالف اصول و احکام مذهب رسمی کشور و قانون اساسی باشد و از سوی دیگر نباید قوانین و مقررات عمومی کشور را نقض کند. از این رو باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس برسد تا بررسی و عدم مغایرت آنها با قوانین و مقررات اعلام شود. افزون بر این، مطابق اصل ۱۳۸، هیئت وزیران حق دارد دست به تدوین آیین نامه‌های اجرایی بزند و برای انجام وظایف اداری و تامین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری تصویب نامه و آیین نامه وضع کند. البته دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار کند. لکن تصویب نامه‌ها و آیین نامه‌های دولت و مصوبات آن کمیسیون‌ها ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس می‌رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیئت وزیران بفرستد.

مبحث اول: نظارت تقنینی و سیاسی

الف - نظارت سیاسی

این نوع نظارت از سوی نمایندگان مردم در نهاد قانون گذاری انجام می‌شود. پاره‌ای از مقامات حکومتی مانند رئیس جمهور و وزیران، در مقابل نمایندگان مردم مسئولیت سیاسی دارند، به این معنا که نمایندگان بر عملکرد ایشان نظارت مستمر دارند و چنان چه این عملکرد را ضعیف و ناکارآمد تشخیص دهند می‌توانند آنان را مورد سؤال و استیضاح قرار دهند و در نهایت باعث شوند مقام و منصب سیاسی از ایشان سلب شود (اصول ۸۸ و ۸۹ قانون اساسی) پیداست در بسیاری از موارد مقام عزل شده ضرورتاً مورد بازخواست قضایی قرار نمی‌گیرد و صرفاً از

دایره‌ی مدیران مورد اعتماد نمایندگان ملت خارج می‌شود می‌توان گفت جوهر نظارت سیاسی ایفای نقش در به دست آوردن یا از دست دادن مقام و قدرت عمومی است.^۱

ب: نظارت تقنینی

نظارت تقنینی به معنای نظارت بر تقنین است. این نوع نظارت در حقیقت یک بازبینی محتوایی است که از سوی مقامات تعیین شده در قانون اساسی و بر پایه‌ی موازین مقرر در همین قانون اعمال می‌شود. هم قوانین وضع شده از سوی قانونگذار عادی و هم مقررات تصویب شده به دست نهاد یا مقام غیر تقنینی (تقنین تفویضی) مانند هیئت وزیران باید تحت بازبینی و نظارت قرار گیرد، تا از عدم مغایرت محتوای آن‌ها با موازین یاد شده اطمینان حاصل شود در صورتی که مرجع ناظر تمام یا بخشی از محتوای قوانین و مقررات مصوب را مغایر با موازین معین شده در قانون اساسی بداند آن بخش یا تمام مصوبه فاقد اعتبار قانونی خواهد بود. این نوع نظارت از ویژگی‌ای خاص برخوردار است به این معنا که صرف (تشخیص ناظر) کل فرایند نظارت و رسیدگی به نتیجه نظارت را تعیین تکمیل خواهد کرد.^۲

مبحث دوم: نظارت مالی و انضباطی

هرچند در جریان تصویب بودجه و یا هر نوع برنامه مالی دولت، قوه مقننه با وضع قواعد و قوانینی، به اعمال نظارت از نوع پیشینی می‌پردازد، اما در مرحله نظارت بر اجرای آن‌ها کار بررسی، نیازمند دقت فراوان و ورود در جزئیات ارقام به مراتب بیشتر از مرحله تصویب می‌باشد. به این منظور گروه‌ها و مراجع متخصص و مجربی به نمایندگی از سوی قوای مقننه و مجریه، کار نظارت بر دخل و خرج دولت و اجرای بودجه را بر عهده می‌گیرند که این نوع نظارت را نظارت مالی می‌نامند.

نظارت مالی نیز مانند سایر نظارت‌های مقرر در حقوق عمومی، منحصر به روش خاصی نبوده و بر حسب مورد، به انواع متعددی اعمال می‌شود. به عنوان مثال، دیوان محاسبات عمومی، علاوه بر اعمال نظارت استطاعی، در مواردی نیز مبادرت به رسیدگی و صدور رای و اعمال

۱- راسخ، محمد، پیشین، ص ۳۴

۲- همان، ص ۳۵

مجازات می‌نماید، بدون اینکه موضوع را به مرجع دیگری ارجاع و یا ارسال نماید.^۱ و این علاوه بر نظارتی است که توسط ذی حساب‌های مستقر در دستگاههای اجرایی و در حین عملیات اجرایی بودجه و با فنون ویژه خویش و به منظور تحقق نظام مالی کارآمد اعمال می‌شود.^۲

۱- دیوان محاسبات

مطابق اصل ۵۴ قانون اساسی: "دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی می‌باشد، سازمان و اداره‌ی آن در تهران و مراکز استان‌ها به موجب قانون تعیین خواهد شد." به موجب اصل ۵۵ قانون اساسی: "دیوان محاسبات به کلیه‌ی حساب‌های وزارت خانه‌ها، موسسات، شرکتهای دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد، دیوان محاسبات، حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید، این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود." همچنین وظایف و تکالیفی در قانون برای دیوان پیش بینی شده است.^۳

۱- ماده ۲۳ قانون دیوان محاسبات کشور ۱۳۶۱

۲- مواد ۹۰ الی ۹۴ قانون محاسبات عمومی ۱۳۶۶

۳- عمده‌ی وظایف دیوان محاسبات عبارتند از: ۱. جمع آوری اسناد و مدارک و حساب‌ها. ۲. رسیدگی و حسابرسی هزینه‌ها و تطبیق آن‌ها با اعتبارات. ۳- ارائه گزارش تفریغ به انضمام نظرات خود به مجلس. ۴- اعلام جرائم و تخلفات به مراجع قضائی. رئیس دیوان محاسبات در هر دوره از سوی مجلس شورای اسلامی و به پیشنهاد کمیسیون دیوان محاسبات و بودجه مجلس و تصویب نمایندگان انتخاب می‌شود و دارای دو معاون و تعدادی مشاور و حسابرس و... می‌باشد. دیوان دارای چهار هیات مستشاری و یک دادسرا در تهران می‌باشد و جهت حفاظت از بیت المال از طریق تماس با مقامات و قوای سه گانه و با تحقیق و بررسی وظائف خود را انجام می‌دهد. لطفی، اسدالله، حقوق اساسی و ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات جاودانه، ۱۳۸۹، ص ۲۷۸

۲- نظارت بر اجرای قانون

یکی دیگر از شیوه های پیش بینی شده ی نظارتی بر قوه ی مجریه، نظارت بر اجرای قانون از سوی رئیس جمهور و وزارت است که در اصلاح اخیر آیین نامه ی داخلی مجلس اضافه شده است. چنین می نماید که مجلس شورا بر آن است تا بیش از پیش بر جایگاه نظارتی خود تکیه و تاکید کند، به این ترتیب که هر گاه حداقل ده نفر از نمایندگان و یا هر کدام از کمیسیون ها عدم رعایت شئون و نقض یا استنکاف از اجرای قانون یا اجرای ناقص قانون از سوی رئیس جمهور و یا وزیر و یا مسئولین دستگاه های زیر مجموعه ی آنان را اعلام کنند، موضوع بلافاصله از طریق هیئت رئیسه برای رسیدگی به کمیسیون ذی ربط ارجاع می شود. کمیسیون حداکثر ظرف مدت ده روز موضوع را رسیدگی و در صورت وارد بودن با اظهار نظر صریح، گزارش خود را از طریق هیئت رئیسه به مجلس ارائه می دهد. چنانچه گزارش را تایید کند، موضوع برای رسیدگی به قوه ی قضائیه و سایر مراجع ذی صلاح ارسال می شود تا خارج از نوبت و بدون تشریفات دادرسی رسیدگی کنند. در صورت که مجلس در مورد رئیس جمهور یا هر یک از وزیران سه نوبت رای به وارد بودن گزارش بدهد، طرح استیضاح در صورت رعایت مفاد اصل ۸۹ قانون اساسی در دستور کار مجلس قرار خواهد گرفت.^۲

۳- تحقیق و تفحص

بنابر اصل ۷۶ قانون اساسی: "مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد" از یک سو نمایندگان مجلس اول در اجرای این اصل اقدام به تشکیل "دفتر همکاری های مردم با نمایندگان" در حوزه ی انتخابیه ی خود و مکاتبه با دستگاه های دولتی کردند ولی آن دستگاه ها با ایشان همکاری نکردند و در نهایت مجلس نظر شورای نگهبان را جویا شد. شورای نگهبان در پاسخ به درستی اعلام داشت: "حق مذکور در اصل ۷۶ جزء حقوق مجلس شورای اسلامی است و نمایندگان منفردا این حق را ندارد"^۳ از دیگر سو دامنه ی

۱- راسخ، محمد، پیشین، ص ۸۰

۲- ماده ۲۹ قانون اصلاح موادی از قانون آیین نامه ی داخلی مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۷/۹/۲۶

۳- نظریه ی شماره ۲۸۱۳ مورخ ۱۳۶۰/۴/۳، مجموعه ی نظریات شورای نگهبان، ص ۵۷

شمول این اصل بر اساس مقررات قانون آیین نامه‌ی داخلی مجلس محدود شده است. مطابق ماده ۱۹۸ اصلاحی این آیین نامه حق تحقیق و تفحص شامل "شورای نگهبان، مجلس خبرگان رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام و پرونده‌های جریانی مراجع قضایی و امور ماهیتی قضایی نمی‌شود و در مورد دستگاه‌هایی که زیر نظر مقام مقام معظم رهبری هستند با اذن معظم له امکان تحقیق و تفحص توسط مجلس وجود دارد." به نظر می‌رسد، در مقام نظر، این بخش از قانون آیین نامه‌ی داخلی مجلس با صراحت و اطلاق و عموم مذکور در اصل ۷۶ منطبق نیست و عبارت "تمام امور کشور" تک تک نهادها و مقامات عمومی کشور را در بر می‌گیرد. به هر حال، بر اساس مقررات پیش گفته، مجلس شورا تقریباً بر تمامی ارکان حکومت نظارت سیاسی دارد و موجب نظارت عمومی می‌شود، البته سیاسی بودن تحقیق و تفحص بدان معنا نیست که نمایندگان از آن به عنوان ابزار سیاسی و جناحی استفاده کنند و آن را به عامل فشار بر علیه رقبای جناحی و حزبی خویش تبدیل کنند^۱، انجام تحقیق و تفحص سبب شفاف شدن عملکرد نهاد تحت تحقیق و همچنین رشد آگاهی‌های عمومی در این زمینه می‌شود. این اقدام در نهایت بر شکل‌گیری دאوری سیاسی شهروندان و افکار عمومی تاثیر می‌گذارد. این گونه دآوری‌ها و افکار عمومی نیز به نوبه‌ی خود به طور غیر مستقیم تعیین‌کننده‌ی انتصاب‌های عمومی است و به طور مستقیم نتایج انتخابات گوناگون را رقم می‌زند. نظارت سیاسی دارد به این دلیل که تحقیق و تفحص‌های مجلس می‌تواند زمینه ساز طرح دعوا در دادگاه‌های صالح و یا سلب قدرت از مقامات حکومتی شود.

۴- نظارت بر شوراهای اسلامی

بر اساس ماده ۱۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، پاره‌ای از مقامات می‌توانند در جلسات شورای اسلامی حوزه‌ی مسئولیت، خود بدون حق رای شرکت کنند. نمایندگان در مجلس شورای اسلامی از جمله‌ی این مقامات هستند. حضور نمایندگان در این جلسات به واقع بر شیوه‌ی عمل شوراهای تاثیر می‌گذارد و نیز

اطلاعات لازم را به منظور اعمال نظارت در اختیار نمایندگان قرار می دهد. افزون بر این و مهم تر سه نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی (دو نفر از اعضای کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور و یک نفر از اعضای کمیسیون اصول ۸۸ و ۹۰ قانون اساسی) در هیأت مرکزی حل اختلاف و رسیدگی به شکایات که به منظور رسیدگی به شکایات مبنی بر انحراف شوراها از وظایف قانونی تشکیل می شوند عضویت دارند. همچنین دو نفر از نمایندگان استان مربوط در مجلس شورا عضو هیأت حل اختلاف و رسیدگی به شکایات استان است.^۱ در صورتی که شوراها تحت نظارت این هیأت ها در مدت مقرر قانونی در پاسخ به اعتراض به مصوبات از نظر ذی ربط ارجاع می شود. این هیأت موظف است ظرف بیست روز به موضوع رسیدگی و اعلام نظر کند^۲ افزون بر این هرگاه شورا اقداماتی بر خلاف وظایف مقرر یا مخالف مصالح عمومی کشور و یا حیف و میل و تصرف غیر مجاز در اموالی که وصول و نگهداری آن را به نحوی به عهده دارد انجام دهد، به پیشنهاد کتبی فرماندار، موضوع جهت انحلال شورا به هیأت حل اختلاف استان ارجاع می شود. این هیأت پس از رسیدگی به شکایات، می تواند شوراها را روستا را منحل کند و در مورد سایر شوراها، در صورت انحراف از وظایف قانونی، به هیأت مرکزی پیشنهاد انحلال می دهد. البته شوراها منحل شده می تواند ظرف مدت یک ماه از تاریخ ابلاغ رای در اعتراض به دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه مکلف است خارج از نوبت به این شکایات رسیدگی کند.^۳ در صورتی که هر یک از اعضای شوراها شرایط عضویت را از دست داده یا در انجام وظایف قانونی خود مرتکب قصور یا تقصیر شده با اقدامی که موجب توقف یا اخلال در انجام وظایف شورا شود یا عملی خلاف شئون اعضای شورا انجام داده باشد، به یکی از مجازات های اخطار کتبی با درج در پرونده ی شورایی بدون اعلان عمومی اخطار کتبی با درج در پرونده ی شورایی و اعلان عمومی، کسر از مبالغ دریافتی بابت عضویت در شورا (حقوق، حق جلسه و عناوین مشابه) حداکثر تا یک سوم از یک ماه تا

۱ - ماده ۷۹ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران (اصلاحی ۱۳۸۶/۸/۲۷)

۲ - ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران

۳ - ماده ۸۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران

یک سال محرومیت از عضویت در هیأت رئیسه و نمایندگی در شوراهای فرادست و عناوین مشابه حداقل به مدت یک سال سلب عضویت موقت از یک ماه تا یک سال، سلب عضویت برای باقی مانده‌ی دوره شورا، ممنوعیت ثبت نام در انتخابات شوراهای برای مدت حداقل یک دوره، سلب عضویت دائم از عضویت در شورا و ممنوعیت ثبت نام در انتخابات شوراهای محکوم می‌شود. افزون بر این افرادی که از آنها سلب عضویت می‌شود می‌توانند به دیوان عدالت اداری شکایت نمایند که دیوان خارج از نوبت به مورد رسیدگی می‌کند و رای آن قطعی و لازم الاجرا است. اعضای که به سایر مجازات‌ها محکوم شده اند می‌توانند ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ رای به هیأت حل اختلاف مرکزی شکایت نمایند و هیأت مذکور خارج از نوبت به موضوع رسیدگی خواهد کرد.^۱

بند دوم: نظارت درونی

افزون بر نظارت‌های فراگیر بیرونی، مجلس شورا بر اجزای خود نیز نظارت دارد. از باب نمونه به مواردی چند اشاره می‌شود:

مبحث اول: نظارت بر کمیسیون‌ها و هیأت رئیسه

نمایندگان می‌توانند با تذکرات آیین نامه‌ای نسبت به عملکرد مجلس، کمیسیون‌ها یا هیئت رئیسه اعمال نظارت کنند به همین شیوه رئیس مجلس نیز می‌تواند به منظور حفظ نظم جلسات مجلس، از ابزار تذکر شفاهی در جلسه علنی، اخطار در جلسه علنی یا احضار و توبیخ متخلف در جلسه هیأت رئیسه استفاده کند^۲ همچنین ماده ۲۳ اصلاحی آیین نامه‌ی جدید برای هیئت رئیسه نیز نقش نظارتی قایل شده است به این ترتیب که وظایف و اختیارات هیأت رئیسه عبارتند از نظارت بر کلیه امور اداری، مالی، استخدامی و سازمانی مجلس. علاوه بر این نمایندگان با رای خود به نامزدهای هیأت رئیسه مجلس یا کمیسیون‌ها، در حقیقت، به طور غیر مستقیم بر عملکرد آنان نظارت دارند. دقیق تر اینکه، هرگاه نمایندگان به کیفیت اداره‌ی جلسات یا سایر اعضای هیأت رئیسه اعتراض داشته باشند، می‌توانند طی تقاضای کتبی

۱ - ماده ۸۲ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران

۲ - ماده ۷۸ آیین نامه‌ی داخلی مجلس

با امضای حداقل بیست و پنج نفر و یا به درخواست کمیسیون تدوین آیین نامه‌ی داخلی مجلس تشکیل هیأت رسیدگی به اعتراضات را درخواست کنند. این هیأت مرکب است از روسای کمیسیون‌های تخصصی و اعضای کمیسیون تدوین آیین نامه‌ی داخلی مجلس، کمیسیون تدوین آیین نامه‌ی داخلی مکلف است ظرف مدت سه روز نسبت به تشکیل هیأت رسیدگی به اعتراضات اقدام کند. هیأت اخیر مکلف است ظرف ده روز با حضور سه نفر منتخبین معترضین به موضوع رسیدگی کند. در صورتی که اکثریت اعضای هیأت رای بر عدم صلاحیت فرد مورد اعتراض بدهند، عضویت وی در هیأت رئیسه معلق می‌شود. گزارش هیأت در این باره در جلسه‌ی غیر علنی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در اولین جلسه‌ی علنی مجلس بدون بحث به رای گذاشته می‌شود. در صورت رد عدم صلاحیت، عضو یاد شده به کار خود و حق شرکت در انتخابات مجدد آن دوره را ندارد. گفتنی است نمایندگان معترض و اعضای مورد اعتراض هیأت رئیسه حق رای در جلسه‌ی هیأت رسیدگی کننده به اعتراضات را ندارد. البته رسیدگی فوق مانع از انجام وظایف قانونی کمیسیون اصل ۹۰ نسبت به طرز کار مجلس نیست و همان گونه که اشاره شد، نمایندگان می‌توانند از آن طریق نیز بر عملکرد هیأت رئیسه نظارت کنند.^۱

مبحث دوم: نظارت بر کمیسیون‌ها و دیوان محاسبات

صرف نظر از رسیدگی به تخلفات اداری اعضای هیأت‌های مستشاری که دادستان دیوان محاسبات در هیأت سه نفره‌ای مرکب از روسای هیأت‌های مستشاری عهده دار امر است، می‌توان رسیدگی به تخلفات اداری رئیس یا دادستان دیوان محاسبات را پیش بینی کرد. رسیدگی به تخلفات مقامات اخیر الذکر بنا به دستور رئیس مجلس و نظارت کمیسیون دیوان محاسبات و بودجه‌ی مجلس شورای اسلامی در هیأت عمومی انجام می‌شود. رسیدگی و صدور رای در این هیأت بدون حضور رئیس یا دادستان و بر اساس قوانین مربوط خواهد بود. مرجع تجدید نظر در این مورد نیز دیوان عالی کشور است.^۲ کمیسیون برنامه و بودجه و

۱- ماده ۲۵ قانون آیین نامه‌ی دخیلی مجلس (اصلاحی ۱۳۸۷/۹/۲۶)

۲- مواد ۳۷ و ۳۸ قانون دیوان محاسبات،

محاسبات علاوه بر انجام وظایف تخصصی در ماده (۳۳) موظف است نسبت به امور زیر اقدام نماید:

۱. نظارت و مراقبت بر اجرای مقررات بودجه و امور مالی مجلس و نحوه هزینه کردن آن؛
 ۲. رسیدگی به عملکرد بودجه سالیانه مجلس و ارائه گزارش آن حداکثر تا پایان شهریورماه سال بعد این گزارش جهت اطلاع نمایندگان چاپ می گردد؛
 ۳. بازرسی و رسیدگی دقیق و نظارت درمورد کلیه اموال و اشیاء منقول و غیرمنقول مجلس شورای اسلامی و ارائه گزارش سالیانه جهت چاپ و توزیع بین نمایندگان.
 ۴. به این ترتیب امور مجلس نیز تحت نظارت یک کمیسیون درونی قرار می گیرد تا بر اساس حدود معین و مقرر عمل شود^۱
 ۵. رئیس سازمان اداری بوسیله کارپردازان پیشنهاد و پس از تصویب هیأت رئیسه با ابلاغ رئیس مجلس تعیین می گردد.^۲
- کارپردازان هیأت رئیسه مجلس در موضوع وظایف مرتبط با امور اداری، مالی و سازمانی مجلس وظایف خاصی دارند از جمله:
- ۱- تنظیم برنامه ها و سیاستهای مالی، استخدامی، خدماتی، تبلیغی و انتظامات مجلس؛
 - ۲- نظارت بر عملکرد رئیس سازمان اداری؛
 - ۳- نظارت بر حفظ اداره و ثبت ابنیه و اموال و موسسات مجلس؛
 - ۴- نظارت بر عملکرد مرکز پژوهشها، مرکز اسناد، کتابخانه و موزه مجلس که طبق قوانین مربوط به خود تشکیل گردیده اند.^۳
 - ۵- نظارت بر سایر امور اداری، مالی و خدماتی مجلس

۱- راسخ، محمد، پیشین، ص ۹۴

۲- تبصره ماده ۶۰ آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی

۳- بند ۵ ماده ۶۱ آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی

نتیجه گیری و جمع بندی بحث

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی این مقاله باید گفت رئیس مجلس مانند دیگر اعضای مجلس شورای اسلامی در درجه‌ی اول نماینده ملت است و همه وظایف یک نماینده بر عهده وی می‌باشد. اما بعد از اینکه به عنوان رئیس مجلس انتخاب شد وظایفی خاص از طریق آیین نامه‌ها و قانون اساسی بر عهده وی قرار می‌گیرد. برخی از این وظایف میان رئیس و سایر نمایندگان مشترک است و برخی دیگر خاص رئیس مجلس و برخی نیز مشترک با هیأت رئیسه مجلس می‌باشد. اما مهمترین وظیفه‌ای که آیین نامه داخلی مجلس بر عهده وی گذاشته است اداره جلسات مجلس می‌باشد. به واقع مهمترین وظیفه رئیس مجلس در اداره جلسات حفظ نظم و امنیت کامل در مجلس برای برگزاری جلسات است و هیچ مقام و قوه‌ای بدون اجازه رئیس مجلس حق مداخله در محوطه و امور مجلس را ندارد. افتتاح و آغاز هر مجلس نیز از جمله مواردی است که نقش رئیس در آن بسیار برجسته است. حتی آنچه که در این رابطه به رئیس مجلس اختصاص دارد از جمله اداره مجلس، رئیس مجلس و سایر اعضای هیأت رئیسه در مورد انجام وظایف محوله در برابر مجلس مسئولیت مشترک دارند و این بدین معناست که اعضای هیأت رئیسه در تمام اموری که به نام هیأت رئیسه انجام می‌شود مسئول هستند و می‌توان گفت هیأت رئیسه وظایف رئیس مجلس را بر عهده دارد و آنچه که وظایف رئیس محسوب می‌شود می‌تواند توسط اعضاء هیأت رئیسه انجام شود. در واقع هر چند که تصمیمات مجلس از طریق اکثریت آراء اتخاذ می‌شود و در این خصوص اعضای هیأت رئیسه رکن اصلی تلقی نمی‌شوند و تصمیمات آنها اثر خارجی ندارد، اما نقشی که در اعمال مدیریت داخلی مجلس ایفاء می‌کنند مالا می‌توانند موثر و تعیین کننده باشد و به نحوی تصمیم گیری مجلس را تحت الشعاع قرار دهد. همچنین در رابطه با نقش رئیس مجلس در برابر سایر نهادها بایستی گفت رئیس مجلس به عنوان رئیس قوه قانونگذار کشور که نماینده مردم محسوب می‌شود حضور وی در نهادهای مهم کشور از جمله شورای بازنگری، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای امنیت ملی، اتحادیه بین المجالس از جهت علمی و تجربی می‌تواند بسیار مفید و راهگشا در مسائل باشد، لذا حضور وی ضروری است. اما بایستی توجه داشت که نقش وی در بیشتر این نهادها صرفا در حد یک عضو معمولی بوده و می‌توان وی را به عنوان نماینده

قوه قانونگذاری کشور محسوب نمود. و نمی توان اختیارات خاصی را در این نهادها به وی واگذار نمود اما می تواند به عنوان یک عضو در تصمیم گیری ها و سیاست های نهادهای عضو سهیم باشد.

منابع و مآخذ

الف - کتب

۱. امامی، محمد و موسوی، سید نصر الله، در آمدی بر بنیادهای حقوق اساسی و نظام های سیاسی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۱
۲. بوشهری، جعفر، حقوق اساسی، جلد اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴
۳. پروین، خیراله، الزامات و آموزه های حقوق اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۲
۴. پروین، خیراله و اصلانی، فیروز، اصول و مبانی حقوق اساسی، تهران، نشر دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۱
۵. توماس، موراوتز، فلسفه حقوق، ترجمه بهروز جندقی، قم، پژوهشگاه حوزه دانشگاه، ۱۳۷۸
۶. خسروی، حسن، حقوق اساسی ۱، تهران، انتشارات پیام نور، چاپ هفتم، ۱۳۹۱
۷. راسخ، محمد، نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی، چاپ اول، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۸۸
۸. شعبانی، قاسم، حقوق اساسی و ساختار حکومت اسلامی ایران، تهران، نشر اطلاعات، چاپ چهارم، ۱۳۷۳
۹. صدر الحافظی، نصرالله، نظارت قضایی بر اعمال دولت در دیوان عدالت اداری، تهران، انتشارات شهریار، ۱۳۷۲
۱۰. صفار، محمد جواد، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات استادی، چاپ چهارم، ۱۳۸۲
۱۱. طباطبائی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ هشتم، ۱۳۸۶
۱۲. عباسی، بیژن، مبانی حقوق اساسی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۸۹
۱۳. عمید زنجانی، عباسعلی و موسی زاده، ابراهیم، نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹
۱۴. فلاح زاده، علی، تفکیک تقنین و اجرا، تهران، مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۹۱

۱۵. قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، نشر میزان، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۲
۱۶. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ ۴۴، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴
۱۷. کلی، جان، تاریخ مختصر تئوری‌های حقوقی در غرب، ترجمه محمد راسخ، تهران، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۸
۱۸. کریستیان دلاکامپانی، تفکیک قوا، برخی مسائل فلسفه سیاست در روزگار ما، ترجمه دکتر بزرگ نادرزاده، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۱
۱۹. لطفی، اسدالله، حقوق اساسی و ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات جاودانه، ۱۳۸۹
۲۰. مدنی، سید جلال‌الدین، کلیات حقوق اساسی، تهران، انتشارات پایدار، ۱۳۷۵
۲۱. منتسکیو، شارل دو، روح القوانين، ترجمه علی اکبر مهتدی، (تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۴۹).
۲۲. مهرپور، حسین، دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی، (تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۴).
۲۳. مهرپور، حسین، مجموعه نظریات شورای نگهبان، جلد سوم، (تهران: نشر کیان، چاپ اول، ۱۳۷۱).
۲۴. میل، جان استوارت، رساله درباره آزادی، ترجمه علی رامین، تهران، نشرنی، ۱۳۶۹
۲۵. نجفی اسفاد، مرتضی و محسنی، فرید، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر فرداد، ۱۳۸۸
۲۶. هابز، توماس، لویاتان، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱
۲۷. هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، تهران، نشر میزان، چاپ ششم، ۱۳۸۴
۲۸. وکیل، امیرساعد، قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۳

ب- مقالات

۲۹. ابوالحمد، عبدالحمید، «مسئله سلسله مراتب قوانین در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۲، تیرماه ۱۳۶۶
۳۰. امامی، محمد، «تصویب و اجرای بودجه در قانون محاسبات عمومی»، نشریه حقوقی دادگستری، شماره ۵، ۱۳۷۱
۳۱. امیدی، ابوذر، «مراحل بودجه»، نشریه حسابداری، شماره ۶۰۱، تابستان ۱۳۹۰
۳۲. بلامی، ریچارد، «شکل سیاسی قانون اساسی (تفکیک قوا، حقوق فردی و دموکراسی نماینده سالار)»، ترجمه محسن حسنونند، نشریه حقوق اساسی، سال سوم، شماره ۴، ۱۳۸۴
۳۳. دادفر، حبیب، «مصونیت پارلمانی»، نشریه کانون وکلا، شماره ۳۳، مرداد و شهریور ۱۳۳۲
۳۴. سلطانی، سید ناصر، «در آمدی تاریخی برمساله اجرای قانون اساسی»، نشریه حقوق اساسی، سال هفتم، شماره ۱۳، ۱۳۸۹
۳۵. گرجی، علی اکبر و یزدان پناه، پیمان، «حقوق اساسی و نقش آن در شکل گیری مدل دموکراسی»، نشریه حقوق اساسی، سال هفتم، شماره ۱۴، ۱۳۸۹
۳۶. محمد نژاد، پرویز، «بررسی حقوقی صلاحیت رئیس مجلس در اعمال نظارت بر مصوبات دولت»، نشریه مجلس و پژوهش، شماره ۳۴، تابستان ۸۸
۳۷. نیکو نهاد، حامد، «ولایت مطلقه فقیه و حاکمیت قانون در نظام حقوق اساسی ایران»، نشریه حقوق اساسی، سال هفتم، شماره ۱۴، ۱۳۸۹